

بررسی تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش

(پایه های دوره راهنمایی در مناطق شهری و روستایی استان های کشور)

محمد آتشک*

چکیده

هدف تحقیق توصیفی حاضر بررسی تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش دوره راهنمایی تحصیلی مناطق شهری و روستایی استان های کشور بوده است، به این منظور تعداد جمعیت واجب التعلیم (از سرشماری) و جمعیت دانش آموزی (از آمارنامه وزارت آموزش و پرورش) سال ۱۳۸۵ پایه های دوره راهنمایی تحصیلی استخراج و نرخ ثبت نام ناخالص دختران و پسران هریک از پایه های دوره مذکور محاسبه و از تقسیم نرخ ثبت نام ناخالص دختران بر پسران، میزان شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش هر پایه محاسبه گردید؛ عمده ترین نتایج حاکی از آن است که در پایه اول در شهرها ۷۴٪ به ضرر دختران، ۷٪ به ضرر پسران و در ۱۹٪ تساوی دیده می شود و در روستاها ۱۰۰٪ به ضرر دختران و در مجموع شهر و روستا ۹۷٪ به ضرر دختران و ۳٪ تساوی وجود داشته است. در پایه دوم در شهرها ۱۷٪ به ضرر دختران، ۱۴٪ به ضرر پسران و در ۶۹٪ تساوی دیده می شود و در روستاها ۹۰٪ به ضرر دختران و ۱۰٪ تساوی دیده می شود و در مجموع شهر و روستا ۷۷٪ به ضرر دختران و ۲۳٪ تساوی وجود داشته است. در پایه سوم در شهرها ۳۰٪ به ضرر دختران، ۷٪ به ضرر پسران و در ۶۳٪ تساوی دیده می شود و در روستاها ۹۰٪ به ضرر دختران، ۷٪ به ضرر پسران و ۳٪ تساوی دیده می شود و در مجموع شهر و روستا ۷۸٪ به ضرر دختران و ۳٪ به ضرر پسران و ۱۹٪ تساوی وجود داشته است. در کل دوره راهنمایی در شهرها ۳۹٪ به ضرر دختران، ۳٪ به ضرر پسران و در ۵۸٪ تساوی دیده می شود و در روستاها ۹۳٪ به ضرر دختران و ۷٪ تساوی دیده می شود و در مجموع شهر و روستا ۸۴٪ به ضرر دختران و ۱۶٪ تساوی وجود داشته است.

کلید واژه

دسترسی به آموزش، جنسیت، شهر، روستا، دوره راهنمایی، استان های کشور، تساوی جنسیتی.

- تاریخ دریافت: ۸۸/۲/۸ ؛ تاریخ تصویب نهایی: ۸۸/۴/۲۱

* عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب و دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی،

matashak@yahoo.com

۱) مقدمه

آموزش، یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد توانمندی‌های لازم برای ورود و نقش‌پذیری فعال زنان در فرآیند توسعه است (تودارو، ۱۳۷۱: ص ۴۷۳). با توجه به اثرات مستقیم آموزش بر توانمندسازی زنان و آثار جانبی آن بر خانواده و جامعه، بررسی شاخص دسترسی به آموزش، اهمیت دو چندان می‌یابد. از همین روست که در برنامه‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی، توجه به امر آموزش و ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی برای تمام زنان و مردان از جمله سیاست‌های پایه‌ای بوده و اهداف مشخصی برای آن تنظیم شده است.

مطابق اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف شده است تا وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت (بدون توجه به جنسیت) تا پایان دوره متوسطه تحصیلی فراهم کند؛ اما نگاهی گذرا به چهار قانون برنامه توسعه پس از انقلاب اسلامی حاکی از آن است که: در قانون برنامه‌های اول (رک. سند برنامه اول توسعه کشور، ۱۳۶۷) و دوم (رک. سند برنامه دوم توسعه کشور، ۱۳۷۳) توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، ذیل مواد و تبصره‌های بخش آموزش و پرورش، مواردی که به صراحت بر موضوع دسترسی برابر به آموزش تأکید داشته باشد و راهبردهای مشخص برای آن ارائه نماید، وجود نداشته است. در بررسی مشکلات و تنگناهای نظام آموزش کشور در برنامه سوم، در بخش مسایل آموزشی مرتبط با جنسیت به مواردی همچون محدودیت مشارکت زنان در سطوح مدیریتی و تصمیم‌گیری نظام آموزشی کشور، عدم تناسب جنسیت معلمان با دانش‌آموزان، کمبود مربیان آموزش فنی و حرفه‌ای به ویژه زنان، بی‌توجهی به نقش مطلوب دختران در محتوای برخی از کتب درسی، تأکید گردیده بود و در این راستا، راهکارهایی چون بازنگری در برنامه‌های درسی متناسب با سن و جنس، اصلاح و متناسب‌سازی فضاهای آموزشی با توجه به شرایط جغرافیایی، جنسیت در دوره‌های تحصیلی، ایجاد شبانه‌روزی‌ها برای دوره راهنمایی با تأکید بر آموزش دختران، ایجاد مرکز تربیت مربی و مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای ویژه زنان و تأمین امکانات آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از طریق استفاده از

مراکز شبانه‌روزی خاص دختران و پسران مورد توجه قرار گرفت (رک). سند برنامه سوم توسعه کشور، ۱۳۷۹). با توجه به نابرابری‌های موجود در دسترسی به آموزش، در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در بندهای «الف»، «ب»، «م»، «س» ماده ۵۲ (رک). سند برنامه چهارم توسعه کشور، ۱۳۸۴)، سند ملی برنامه آموزش برای همه (رک). وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۳) و هم چنین آرمان‌ها و اهداف توسعه هزاره^۱ به گسترش فرصت‌های دسترسی به آموزش به ویژه برای دختران توجه ویژه‌ای شده است.

علی‌رغم چنین روندی در برنامه‌های توسعه کشور بررسی یافته‌های پژوهش‌های صورت گرفته در ایران حاکی از آن است که دختران نسبت به پسران دسترسی کمتری به آموزش دارند (رک. آتشک، ۱۳۸۶د؛ مرادی، ۱۳۸۳؛ گرائی‌نژاد، ۱۳۸۲؛ اسماعیل سرخ، ۱۳۸۰؛ داش‌خانه، ۱۳۸۰؛ واحدی، ۱۳۷۷؛ نادری نرم، ۱۳۷۶؛ کلیدری، ۱۳۷۴؛ حسین‌زاده، ۱۳۷۲؛ خدابخش، ۱۳۷۱؛ عزیززاده، ۱۳۶۵)، دختران در مناطق کمتر توسعه یافته‌تر (روستاها و جنوب شهرها) نسبت به مناطق توسعه یافته‌تر (شهرها و شمال شهرها) دسترسی کمتری به آموزش دارند (رک. اسماعیل سرخ، ۱۳۸۶؛ آتشک، ۱۳۸۵b؛ نبی‌زاده سرابندی، ۱۳۸۴؛ داش‌خانه، ۱۳۸۰؛ واحدی، ۱۳۷۷؛ نادری نرم، ۱۳۷۶؛ حسین‌زاده، ۱۳۷۲)، هر چقدر به سمت پایه‌های تحصیلی بالاتر می‌رویم نابرابری بین دختران و پسران در دسترسی به آموزش بیشتر می‌شود (رک. آبیلی، ۱۳۸۳؛ عزیززاده، ۱۳۶۵)، نکته قابل توجه این است که علی‌رغم دسترسی کمتر دختران به آموزش در تمامی مقاطع تحصیلی، آنها عملکرد تحصیلی بهتر و با ماندگاری بیشتری در نظام آموزشی دارند (رک. آتشک، ۱۳۸۶d؛ عزیززاده، ۱۳۶۵).

۲) ملاحظات نظری

مطابق نتایج مطالعات مختلف عوامل مؤثر بر دسترسی کمتر دختران به آموزش نسبت به پسران را می‌توان در ۴ دسته عوامل خانوادگی، آموزشی، اجتماعی و اقتصادی به شرح زیر طبقه‌بندی نمود که در این مجال به برخی از آنها اشاره می‌شود.

¹ - Millennium Development Goals(MDG)

۲-۱) عوامل خانوادگی

۲-۱-۱) اندازه و ترکیب خانواده

به هر میزان اندازه خانواده کوچکتر باشد، شانس دختران برای رفتن و ماندن در مدرسه بیشتر است، چرا که خانواده‌های گسترده و بزرگ به گزینش فرزند برای دسترسی به آموزش می‌پردازند، یکی از مهم‌ترین ملاک‌های این گزینش، نرخ بازده سرمایه‌گذاری در آموزش فرزندان است، به بیان دیگر خانواده‌ها با تحلیل‌های هزینه - فایده به بررسی این امر می‌پردازند که با توجه به توانایی‌های فردی، سطح و نوع آموزش‌ها، هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم آموزش و امکان اشتغال پس از آموزش و سایر موارد، صلاح است کدام یک از فرزندان به مدرسه فرستاده شوند؟ که در بیشتر موارد، خانواده‌ها فرزندان پسرشان را گزینش می‌کنند، به دلیل اینکه در بیشتر اوقات (به خصوص در روستاها) پسران پس از ازدواج در خانواده باقی می‌مانند و آموزش بالاتر آنها درآمد بیشتری نصیب خود و والدینشان می‌نماید، در حالی که علاوه بر اینکه هزینه فرصت تحصیلی دختران به نسبت پسران بالاتر است، از سوی دیگر چون دختران پس از ازدواج، خانه پدری را ترک می‌نمایند، سرمایه‌گذاری در آموزش آنها به منفعت خانواده شوهرشان خواهد بود. نکته مهم دیگر، ترکیب خانواده است، نتایج تحقیقات حاکی از آن است که ثبت‌نام دختران در مدرسه تحت‌تأثیر وجود افراد کوچک و مسن و هم چنین تعداد دختران موجود در ترکیب افراد خانواده است.

۲-۱-۲) درآمد خانواده

خانواده‌هایی که درآمد مناسبی دارند، امکان بیشتری برای پرداخت هزینه‌های آموزشی دخترانشان دارند، نکته مهم دیگر این است که از آن جایی که هزینه‌های مستقیم آموزش دختران، بیش از پسران است (چرا که پسران در طی دوران تحصیل می‌توانند با کارهای پاره‌وقت هزینه خود را تأمین نمایند، در حالی که این امر برای دختران به آسانی مقدور نیست) امکان دسترسی و ادامه تحصیل دختران در شرایط برابر، کمتر از پسران است.

۳-۱-۲) نیاز به نیروی کار دختر

از جمله عوامل مهم در به کارگیری دختران برای کار توسط والدین، می‌توان به توان درآمدزایی آنها برای خانواده و همچنین بازده سرمایه‌گذاری پایین تحصیلات در روستاها اشاره نمود. منطقه جغرافیایی نیز بر کار کودکان مؤثر است، به گونه‌ای که تقاضا برای کار دختران در مناطق روستایی، بیش از مناطق شهری است، به گونه‌ای که دختران روستایی شش بار بیشتر از دختران شهری احتمال کار کردن را دارند.

۴-۱-۲) تحصیلات والدین

نتایج تحقیقات حاکی از تفاوت میان اثر تحصیلات پدران و مادران بر آموزش دختران است. سطح تحصیلات پدر بیشتر بر سطح درآمد خانواده و به تبع آن طبقه اجتماعی - اقتصادی خانواده مؤثر بوده و از این طریق بر آموزش دختران مؤثر است، اما سطح تحصیلات مادر به گونه مستقیم بر دسترسی و موفقیت تحصیلی دختران مؤثر است: مطالعات بردسال در برزیل حاکی از آن است که آموزش مادر به‌طور کلی تأثیر قوی‌تری نسبت به آموزش پدر در میانگین طول فارغ‌التحصیلی فرزندان دارد (cf. Birdsall, 1985). تحصیلات مادر، او را در انجام تکالیف مدرسه‌اش یاری رسانده و از این طریق بر موفقیت تحصیلی فرزندش می‌افزاید، این مسأله به ویژه هنگامی بیشتر به چشم می‌آید که مهاجرت و اشتغال مردان، بیش از اندازه باشد و زنان عملاً عهده‌دار تمامی امور خانواده باشند.

۵-۱-۲) نگرش والدین به آموزش دختران

کینگ و دیگران در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که اگر خانواده‌ها با دختران همانند پسران رفتار کنند، دستیابی تحصیلی آنها در میان شهرنشینان طبقه متوسط تا ۶۵٪ در شهرنشینان طبقه پایین تا ۱۲۹٪ و در میان روستائیان تا ۲۲۴٪ افزایش می‌یابد. (cf. King, and others, 1986).

انتظار والدین از ازدواج دختران و آثار تحصیلات بر آن با توجه به گروه‌های درآمدی مختلف متفاوت است: خانواده متوسط دانش‌آموختگی دختران را زمینه‌ساز ازدواج بهتر آنها می‌داند، زیرا تحصیلات آنها را در اداره موفق‌تر خانه توانا

می‌سازد، هم‌چنین امکان ازدواج دختر با خانواده توانگرتر منجر به بهبود وضعیت خانوادگی پدری‌اش می‌شود؛ در خانواده‌های طبقه پایین دانش‌آموختگی دختران پرهزینه تلقی می‌شود، زیرا ازدواج دختری با تحصیلات بالاتر با مرد دارای تحصیلات بالا، منجر به توقع آوردن جهیزیه بیشتر می‌شود که خود بار اضافی مالی بر دوش خانواده است و در خانواده‌های فقیر روستایی به کار عروسان خود در خانه نیاز دارند، بنابراین دختران تحصیل‌کرده روستایی برای انجام امور خانه مناسب نیستند و این امر امکان ازدواج آنها را محدود می‌سازد، از این رو این خانواده‌ها رغبتی برای فرستادن دختران خود به مدرسه ندارند.

۲-۲) عوامل آموزشی

۲-۲-۱) قوانین ناظر بر آموزش

قوانین آموزش از جمله اجباری یا غیراجباری بودن دوره‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر دسترسی و ادامه تحصیل افراد در آموزش است. در ایران نیز در سال ۱۳۸۴ در بند "ب" ماده ۵۲ قانون برنامه چهارم توسعه کشور، برای اولین بار بر اجباری کردن آموزش تا پایان دوره راهنمایی تأکید گردید (رک. سند برنامه چهارم توسعه کشور، ۱۳۸۴).

۲-۲-۲) وضعیت آموزشی در مقاطع پایین‌تر

این امر از دو جنبه در نرخ ثبت نام و عملکرد تحصیلی دختران قابل بررسی است: نرخ ثبت نام در یک دوره، متأثر از نرخ ثبت نام در مقطع پیشین است، از این رو چنانچه دختران در یک دوره دارای نرخ ثبت نام پایینی باشند، این امر خود را در مقاطع بالاتر نیز منعکس می‌سازد. عملکرد تحصیلی (نرخ‌های ارتقاء، تکرار پایه و ترک تحصیل) افراد در دسترسی و ادامه تحصیل آنها در مقاطع بالاتر مؤثر است، با اینکه دختران دسترسی کمی به آموزش دارند، پس از ورود به نظام آموزش، عملکرد تحصیلی بالاتری نسبت به پسران دارند (رک. آتشک، ۱۳۸۶d؛ عزیززاده، ۱۳۶۵).

۲-۳) عوامل اجتماعی

۲-۳-۱) محل سکونت

دختران شهری به جهت دسترسی آسانتر به منابع انسانی، مالی و کالبدی مطلوبتر در نظام آموزشی، هزینه فرصت از دست رفته پایینتر، طبقه اجتماعی و اقتصادی بالاتر خانواده، نگرش خوشبینانهتر والدین به تحصیل آنها و فرصت شغلی بیشتر به نسبت دختران روستایی، دسترسی و ادامه تحصیلی بیشتری در آموزش خواهند داشت.

۲-۳-۲) فاصله محل سکونت تا مدرسه

فاصله خانه تا مدرسه هم در تمایل والدین به ادامه تحصیل و هم در امکان دسترسی فرزند به مدرسه اثر دارد، فاصله زیاد به معنای اضافه شدن هزینه ایاب و ذهاب، خوابگاه و اقامت است که چون در اکثر موارد (به ویژه در روستا) پرداخت این هزینهها برای خانوادهها مقدور نیست، این امر منجر به توقف تحصیل، به ویژه برای دختران می شود، نتایج تحقیقات حاکی از آن است که والدین به جهت مخاطره های اخلاقی و جسمی، تمایلی به فرستان دخترانشان به مدارس دور از محل سکونتشان ندارند (cf. Allman, 1987, 1979)، احمد و حسن (cf. Ahmed, hasan, 1984) بعد دیگری از مسئله را مطرح می نمایند و معتقد هستند که علاوه بر طول مسیر، نوع مسیر (خاکی، رودخانه ای، کوهستانی) نیز در تصمیم والدین در فرستادن دختران به مدرسه مهم است.

۲-۳-۳) ازدواج و زایمان در سن پایین

این امر به ویژه هنگامی تشدید می گردد که منع قانونی برای ثبت نام دختران مزدوج در مدارس وجود داشته باشد. حتی اگر ازدواج مانعی بر سر راه ادامه تحصیل دختران نباشد، بارداری و زایمان در سنین پایین، نقطه پایانی بر تحصیل دختران است، اثر ثانوی ازدواج و بارداری در سن پایین این است که چون این مادران دارای تحصیلات پایینی هستند، ارزش آموزش فرزندانشان را به خوبی درک نمی نمایند و این امر منجر به دسترسی کمتر فرزندان (به خصوص دخترانشان) به آموزش خواهد شد که از این

فرآیند با عنوان بازتولید فقر جنسیتی در آموزش یاد می‌شود.

۲-۴ عوامل اقتصادی

۲-۴-۱ سهم بودجه تخصیصی به آموزش

این امر را می‌توان از منظر بودجه هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای تخصیصی به دو جنس مورد بررسی قرار داد. آمارها حاکی از وجود تبعیض به ضرر دختران در تخصیص بودجه هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای است.

۲-۴-۲ درصد نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی

در مناطقی که کشاورزی به شیوه سنتی صورت می‌گیرد، دختران نیروی کار مناسبی به شمار می‌آیند که این امر در میزان ترک تحصیل دختران و عدم دسترسی دختران به آموزش مؤثر است.

۲-۴-۳ نابرابری‌های جنسیتی بازار کار

از آن جایی که بازار کار جنسیتی است، میانگین دریافت‌های زنان کمتر از مردان است که این عوامل بر انتخاب اولیاء در فرستادن دختران به مدارس، اشتیاق دختران به ادامه تحصیل و سرمایه‌گذاری کشور برای آموزش دختران اثر می‌گذارد (رک. کینگ، ۱۳۷۶؛ نوروزی، ۱۳۸۳).

۳ سؤال تحقیق

تساوی جنسیتی در دسترسی به پایه‌های اول، دوم و سوم دوره راهنمایی تحصیلی استان‌های کشور (به تفکیک شهر، روستا و کل) در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ به چه میزان بوده است؟

۴ روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، در زمره تحقیقات کاربردی و از نظر نوع تحقیق توصیفی است. جامعه آماری این تحقیق عبارتند از: تعداد جمعیت واجب‌التعلیم (۱۳-)

۱۱ ساله‌ها) (رک. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) و تعداد دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی استان‌های کشور (رک. وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۵) در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ (جدول ۲). روش گردآوری داده‌ها از طریق تحلیل ثانویه داده‌ها بوده که برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی استفاده شده است.

به منظور پایش شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش^۱ در کشورهای جهان، مرکز آمارهای یونسکو^۲ (UIS، ۲۰۰۶) روشی برای محاسبه این شاخص ارایه کرده که بر مبنای آن: ابتدا باید نرخ ثبت نام ناخالص^۳ (تقسیم تعداد جمعیت دانش‌آموزی یک دوره بر تعداد جمعیت واجب‌التعلیم همان دوره) هر دو جنسیت را محاسبه نموده و سپس از تقسیم نرخ ثبت نام ناخالص دختران بر پسران، میزان شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش هر دوره بدست می‌آید. اگر عدد حاصل کمتر از ۰/۸ و بیشتر از ۱/۲۵ باشد دور از تحقق هدف برنامه، بین ۰/۸ تا ۰/۹۴ و ۱/۰۶ تا ۱/۲۵ در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف و چنانچه بین ۰/۶۹ تا ۰/۹۵ و ۱/۰۴ تا ۱/۰۵ قرار گرفته باشد، نزدیک به تحقق هدف خواهند بود. تساوی جنسیتی در این شاخص نیز در صورتی محقق گردیده است که رقم شاخص، بین ۰/۹۷ تا ۱/۰۳ باشد.

۵) جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق تعداد جمعیت واجب‌التعلیم (رک. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) و جمعیت دانش‌آموزی (رک. وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۵) دوره راهنمایی تحصیلی در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ می‌باشد. همان‌طور که در جدول (۱) مشخص است با بالارفتن پایه‌ها، تعداد جمعیت واجب‌التعلیم هم در شهر و روستا و هم در میان دختران و پسران افزایش می‌یابد و در بین مناطق و جنس‌ها، سهم عمده را شهرها و پسران دارند. اگرچه هم چنان پسران و شهرها، بخش عمده‌ای از جمعیت دانش‌آموزی را به خود اختصاص داده‌اند، اما در بیشتر مناطق و جنس‌ها، پایه اول و سوم دوره راهنمایی

^۱ - Gender Parity Index (GPI) in Access to Education

^۲ - UNESCO Institute for Statistics (UIS)

^۳ - Gross Enrolment Ratio

بیشترین سهم را در میان پایه‌ها دارند که این امر ناشی از نرخ تکرار پایه بالا در پایه‌های مرزی (اول و سوم) است.

جدول شماره (۱): تعداد جمعیت واجب‌التعلیم (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) و دانش‌آموزی (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۵) دوره راهنمایی تحصیلی در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵

سن	کل			شهری			روستایی		
	جمع	پسر	دختر	جمع	پسر	دختر	جمع	پسر	دختر
جمعیت واجب‌التعلیم									
۱۱	۱۲۱۷۹۰۶	۶۲۴۴۴۲	۵۹۳۴۶۴	۷۷۷۳۳۳	۳۹۷۹۷۰	۳۷۹۳۶۳	۴۳۸۴۱۶	۲۲۵۳۷۴	۲۱۳۰۴۲
۱۲	۱۳۳۹۶۱۷	۶۸۸۲۱۷	۶۵۱۴۰۰	۸۴۶۲۳۸	۴۳۳۶۶۱	۴۱۲۵۷۷	۴۹۰۷۴۶	۲۵۳۲۴۷	۲۳۷۴۹۹
۱۳	۱۴۳۲۰۶۲	۷۳۵۰۹۹	۶۹۶۹۶۳	۹۰۹۶۲۹	۴۶۵۷۱۷	۴۴۳۹۱۲	۵۲۰۰۶۷	۲۶۸۲۰۴	۲۵۱۸۶۳
کل	۳۹۸۹۵۸۵	۲۰۴۷۷۵۸	۱۹۴۱۸۲۷	۲۵۳۳۲۰۰	۱۲۹۷۳۴۸	۱۲۳۵۸۵۲	۱۴۴۹۲۲۹	۷۴۶۸۲۵	۷۰۲۴۰۴
جمعیت دانش‌آموزی									
۱۱	۱۳۳۴۴۱۶	۷۲۰۵۵۹	۶۱۳۸۵۷	۹۱۰۵۶۶	۴۷۹۶۲۸	۴۳۰۹۳۸	۴۲۳۸۵۰	۲۴۰۹۳۱	۱۸۲۹۱۹
۱۲	۱۲۸۶۹۴۷	۶۸۰۱۵۸	۶۰۶۷۸۹	۸۹۳۳۹۱	۴۶۰۶۶۲	۴۲۲۷۲۹	۳۹۳۵۵۶	۲۱۹۴۹۶	۱۷۴۰۶۰
۱۳	۱۳۱۷۳۹۸	۷۰۰۱۷۷	۶۱۷۱۲۱	۹۲۳۷۱۳	۴۷۸۳۱۲	۴۴۵۴۰۱	۳۹۳۵۸۵	۲۲۱۸۶۵	۱۷۱۷۲۰
کل	۳۹۳۸۶۶۱	۲۱۰۰۸۹۴	۱۸۳۷۷۶۷	۲۷۲۷۶۷۰	۱۴۱۸۶۰۲	۱۳۰۹۰۶۸	۱۲۱۰۹۹۱	۶۸۲۲۹۲	۵۲۸۶۹۹

۶) یافته‌های تحقیق

۶-۱) نرخ ثبت‌نام ناخالص دوره راهنمایی تحصیلی

این شاخص از تقسیم تعداد جمعیت دانش‌آموزی یک دوره تحصیلی معین بر تعداد جمعیت واجب‌التعلیم همان دوره تحصیلی (در دوره راهنمایی تحصیلی جمعیت ۱۱-۱۳ ساله) در سال تحصیلی معینی به دست می‌آید. به دلیل اینکه در صورت کسر، تعداد جمعیت دانش‌آموزی فارغ از سن آنها منظور شده، ممکن است این شاخص بیش از ۱ یا ۱۰۰٪ شود که این امر حاکی از وجود تکرار پایه و دسترسی دیرنگام به پایه و دوره تحصیلی می‌باشد (رک. گروه مشاوران یونسکو، ۱۳۸۶).

۱- تعداد ۷۱۵۶ نفر جمعیت غیرساکن (۳۵۸۵ نفر مرد و ۳۵۷۱ نفر زن) در سرجمع منظور شده است.

۱-۱-۶) نرخ ثبت نام ناخالص در پایه اول دوره راهنمایی

در جمعیت پسر شهرهای استان‌های کشور، استان آذربایجان غربی با ۱/۴۱ و استان خراسان جنوبی با ۱/۰۶ (میانگین کشوری برابر با ۱/۲۱) و در جمعیت دختر شهرهای استان‌های کشور، استان گیلان با ۱/۳۳ و استان سیستان و بلوچستان با ۰/۸۹ (میانگین کشوری برابر با ۱/۱۴) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده‌اند.

در جمعیت پسر روستاهای استان‌های کشور، استان تهران با ۱/۵۰ و استان قم با ۰/۸۳ (میانگین کشوری برابر با ۱/۰۷) و در جمعیت دختر روستاهای استان‌های کشور، استان تهران با ۱/۳۷ و استان آذربایجان غربی با ۰/۵۴ (میانگین کشوری برابر با ۰/۸۶) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده‌اند.

در جمعیت پسر کل (شهری و روستایی) استان‌های کشور، استان کهگیلویه و بویراحمد با ۱/۲۷ و استان سیستان و بلوچستان با ۱ (میانگین کشوری برابر با ۱/۱۵) و در جمعیت دختر کل (شهری و روستایی) استان‌های کشور، استان کهگیلویه و بویراحمد با ۱/۱۹ و استان سیستان و بلوچستان با ۰/۷۶ (میانگین کشوری برابر با ۱/۰۳) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده‌اند.

۲-۱-۶) نرخ ثبت نام ناخالص در پایه دوم دوره راهنمایی

در جمعیت پسر شهرهای استان‌های کشور، استان گیلان با ۱/۲۹ و سیستان و بلوچستان با ۰/۸۳ (میانگین کشوری برابر با ۱/۰۶) و در جمعیت دختر شهرهای استان‌های کشور، استان گیلان با ۱/۲۸ و استان سیستان و بلوچستان با ۰/۷۳ (میانگین کشوری برابر با ۱/۰۵) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده‌اند.

در جمعیت پسر روستاهای استان‌های کشور، استان تهران با ۱/۱۸ و استان قم با ۰/۵۳ (میانگین کشوری برابر با ۰/۸۷) و در جمعیت دختر روستاهای استان‌های کشور، استان تهران با ۱/۱۵ و استان آذربایجان غربی با ۰/۴۲ (میانگین کشوری برابر با ۰/۷۳) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده‌اند.

در جمعیت پسر کل (شهری و روستایی) استان‌های کشور، استان کهگیلویه و بویراحمد با ۱/۱۱ و سیستان و بلوچستان با ۰/۷۲ (میانگین کشوری برابر با ۰/۹۹) و در جمعیت دختر کل (شهری و روستایی) استان‌های کشور، استان چهارمحال و بختیاری با ۱/۰۳ و استان سیستان و بلوچستان با ۰/۵۹ (میانگین کشوری برابر با ۰/۹۳) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده‌اند.

۳-۱-۶) نرخ ثبت نام ناخالص در پایه سوم دوره راهنمایی

در جمعیت پسر شهرهای استان‌های کشور، استان گیلان با ۱/۲۳ و استان سیستان و بلوچستان با ۰/۸۰ (میانگین کشوری برابر با ۱/۰۳) و در جمعیت دختر شهرهای استان‌های کشور، استان گیلان با ۱/۲۴ و استان سیستان و بلوچستان با ۰/۶۸ (میانگین کشوری برابر با ۱) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده‌اند.

در جمعیت پسر روستاهای استان‌های کشور، استان تهران با ۱/۱۵ و استان قم با ۰/۵۷ (میانگین کشوری برابر با ۰/۸۳) و در جمعیت دختر روستاهای استان‌های کشور، استان تهران با ۱/۱۵ و استان آذربایجان غربی با ۰/۳۷ (میانگین کشوری برابر با ۰/۶۸) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده‌اند.

در جمعیت پسر کل (شهری و روستایی) استان‌های کشور، استان کهگیلویه و بویراحمد با ۱/۰۸ و استان سیستان و بلوچستان با ۰/۷۰ (میانگین کشوری برابر با ۰/۹۵) و در جمعیت دختر کل (شهری و روستایی) استان‌های کشور، استان ایلام با ۱/۰۳ و استان سیستان و بلوچستان با ۰/۵۵ (میانگین کشوری برابر با ۰/۸۹) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده‌اند.

۲-۶) نرخ ثبت نام ناخالص در کل دوره راهنمایی

در جمعیت پسر کل شهرهای استان‌های کشور، استان گیلان با ۱/۲۸ و استان خراسان جنوبی با ۰/۹۱ (میانگین کشوری برابر با ۱/۰۹) و در جمعیت دختر شهرهای استان‌های کشور، استان گیلان با ۱/۲۸ و استان سیستان و بلوچستان با ۰/۷۶ (میانگین

کشوری برابر با ۱/۰۶) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده اند.

در جمعیت پسر روستاهای استان های کشور، استان تهران با ۱/۲۶ و استان قم با ۰/۶۳ (میانگین کشوری برابر با ۰/۹۱) و در جمعیت دختر روستاهای استان های کشور، استان تهران با ۱/۲۲ و استان آذربایجان غربی با ۰/۴۴ (میانگین کشوری برابر با ۰/۷۵) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده اند.

در جمعیت پسر کل (شهری و روستایی) استان های کشور، استان کهگیلویه و بویراحمد با ۱/۱۵ و استان سیستان و بلوچستان با ۰/۸۰ (میانگین کشوری برابر با ۱/۰۳) و در جمعیت دختر کل (شهری و روستایی) استان های کشور، استان بوشهر با ۱/۰۶ و استان سیستان و بلوچستان با ۰/۶۳ (میانگین کشوری برابر با ۰/۹۵) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده اند.

نتایج حاکی از آن است که در تمامی پایه ها، پسران شهری دارای بهترین وضعیت و در تمامی پایه ها دختران روستایی دارای نامطلوب ترین وضعیت از نظر نرخ ثبت نام ناخالص در دوره راهنمایی بوده اند (جدول ۲). با بالا رفتن پایه ها نرخ مذکور هم در دختران و پسران و هم در مناطق شهری و روستایی کاهش می یابد که این امر حاکی از قدرت (توان) پایین نظام آموزشی در نگهداشت دانش آموزان در این دوره است (این میزان را با نرخ ماندگاری می سنجد)^۱.

جدول شماره (۲): تعداد استان های دارای نرخ ثبت نام ناخالص کمتر از ۱ یا ۱۰۰ درصد در دوره راهنمایی تحصیلی

عنوان	کل			شهر			روستا		
	جمع	پسر	دختر	جمع	پسر	دختر	جمع	پسر	دختر
پایه اول	۲	۰	۵	۰	۰	۱	۱۷	۱۰	۲۵
پایه دوم	۱۵	۹	۲۱	۴	۴	۴	۲۸	۲۷	۲۹
پایه سوم	۲۵	۱۹	۲۸	۷	۸	۱۰	۲۸	۲۸	۲۹
کل	۱۲	۶	۲۰	۴	۲	۴	۲۸	۲۳	۲۹

^۱- برای مطالعات تفصیلی تر در خصوص چگونگی محاسبه این شاخص به آتشک، ۱۳۸۶د رجوع شود.

همان‌طور که در جدول (۳) مشخص است استان‌هایی همانند آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان و کردستان دارای بالاترین و استان‌های مازندران، قم و اردبیل دارای پایین‌ترین تفاوت میان بیشترین و کمترین نرخ ثبت نام ناخالص میان دختران و پسران در شهرها و روستاهای استان‌های کشور بوده‌اند.

جدول شماره (۳): درصد تفاوت میان نرخ ثبت نام ناخالص پسران و دختران در دوره راهنمایی تحصیلی^۱

عنوان	تفاوت	کل	شهر	روستا
پایه اول	بیشترین	آذربایجان غربی ۲۷	سیستان و بلوچستان ۲۴	آذربایجان غربی ۳۹
	کمترین	مازندران ۴	همدان -۵	مازندران ۳
	تفاوت	۲۳	۲۹	۳۶
پایه دوم	بیشترین	آذربایجان غربی ۱۷	سیستان و بلوچستان ۱۱	کردستان ۳۲
	کمترین	یزد -۱	اردبیل -۱۴	مازندران ۱
	تفاوت	۱۸	۲۵	۳۱
پایه سوم	بیشترین	کرمانشاه ۱۷	سیستان و بلوچستان ۱۳	کردستان ۳۰
	کمترین	قم -۳	قم -۴	اصفهان -۴
	تفاوت	۲۰	۱۷	۳۴
کل	بیشترین	آذربایجان غربی ۲۰	سیستان و بلوچستان ۱۶	کردستان ۳۲
	کمترین	مازندران ۰	اردبیل -۷	مازندران ۰
	تفاوت	۲۰	۲۳	۳۲

۳-۶) تساوی جنسیتی در دسترسی به پایه اول دوره راهنمایی تحصیلی استان‌های کشور (شهر، روستا و کل) در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵

در شهرهای استان‌های کشور، در ۶ استان برای این پایه، تساوی، در ۲ استان اردبیل و همدان، عدم تساوی به ضرر پسران و در ۲۳ استان، عدم تساوی به ضرر دختران

۱- تفاوت مثبت به معنای بیشتر بودن نرخ ثبت نام ناخالص پسران از دختران و تفاوت منفی به معنای بیشتر بودن نرخ ثبت نام ناخالص دختران از پسران می باشد.

(۶۷٪ بیشتر از پسران) در دسترسی به آموزش را شاهد هستیم. میانگین کشوری برابر با ۰/۹۴ (متوسط به ضرر دختران) می‌باشد که استان‌های اردبیل و سیستان و بلوچستان به ترتیب با ۱/۰۴ و ۰/۷۹ دارای بالاترین و پایین‌ترین میزان برخورداری از شاخص فوق بوده‌اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۲۵ بوده است. در روستاهای استان‌های کشور در هیچ استانی تساوی و عدم تساوی به ضرر پسران وجود نداشته است و ۱۰۰٪ عدم تساوی‌ها به ضرر دختران بوده است. میانگین کشوری برابر با ۰/۸ (متوسط به ضرر دختران) می‌باشد که استان‌های مازندران با ۰/۹۶ و آذربایجان غربی با ۰/۵۸ دارای بالاترین و پایین‌ترین میزان برخورداری از شاخص فوق بوده‌اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۳۸ بوده است. در کل (شهر و روستا) تنها در استان مازندران تساوی حاصل شده و در مابقی استان‌ها (۹۷٪) عدم تساوی‌ها به ضرر دختران وجود داشته که در ۲ استان آذربایجان غربی و سیستان و بلوچستان، دور، در ۲ استان گیلان و تهران، نزدیک و در ۲۶ استان در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف هستیم. میانگین کشوری برابر با ۰/۹ (متوسط به ضرر دختران) می‌باشد که استان‌های مازندران با ۰/۹۷ و سیستان و بلوچستان با ۰/۷۶ دارای بالاترین و پایین‌ترین میزان برخورداری از شاخص فوق بوده‌اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۲۱ بوده است (جدول ۴).

جدول شماره (۴): تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش پایه اول دوره راهنمایی
تحصیلی استان‌های کشور

عنوان	به ضرر دختران			تساوی	به ضرر پسران		
	دور	متوسط	نزدیک		دور	متوسط	نزدیک
پایه اول	شهر	سیستان و بلوچستان	مرکزی، خراسان رضوی و شمالی، زنجان، کرمانشاه، آذربایجان شرقی و غربی، هرمزگان، گلستان، خوزستان، قم، سمنان	بوشهر، تهران، کهگیلویه و بویر احمد، کرمان، چهارمحال و بختیاری، فارس، قزوین، یزد، اصفهان	کردستان، ایلام، گیلان، لرستان، مازندران، خراسان جنوبی	اردبیل، همدان	-
		روستا	قم، همدان، آذربایجان شرقی و غربی، زنجان، مرکزی، سیستان	تهران، اصفهان، کهگیلویه و بویر احمد، گیلان، بوشهر، کرمان، فارس، قزوین، لرستان، هرمزگان، ایلام، چهارمحال و بختیاری،	-	-	-

					یزد، خراسان جنوبی، شمالی و رضوی، اردبیل، گلستان	و بلوچستان، کرمانشاه، کردستان، خوزستان		
-	-	-	مازندران	گیلان، تهران	بوشهر، اصفهان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، کرمان، اردبیل، یزد، همدان، لرستان، قزوین، فارس، خراسان جنوبی، رضوی و شمالی، سمنان، مرکزی، کردستان، چهارمحال و بختیاری، قم، خوزستان، آذربایجان شرقی، کرمانشاه، هرمزگان، زنجان، گلستان	آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان	۶۶	

۴-۶) تساوی جنسیتی در دسترسی به پایه دوم دوره راهنمایی تحصیلی استان‌های کشور (شهر، روستا و کل) در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵

در پایه دوم در ۲۲ استان تساوی رخ داده است (بالاترین میزان تساوی در میان پایه-ها و مناطق دوره) که در ۴ استان عدم تساوی به ضرر پسران و در ۵ استان عدم تساوی به ضرر دختران در دسترسی به آموزش را شاهد هستیم. میانگین کشوری برابر با ۰/۹۹ (تساوی) می‌باشد که استان‌های اردبیل (با ۱/۱۵) و سیستان و بلوچستان (با ۰/۸۷) دارای بالاترین و پایین‌ترین میزان برخورداری از شاخص فوق بوده‌اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۲۸ بوده است. در مناطق روستاهای استان‌های کشور تنها در استان‌های مازندران، اصفهان و تهران تساوی دیده می‌شود، نکته قابل توجه وجود ۱۰ استان در وضعیت دور از تحقق هدف و به ضرر دختران است که در هیچ یک از پایه‌ها و مقاطع، این میزان دوری از تحقق هدف دیده نمی‌شود. در هیچ یک از استان‌ها عدم تساوی به ضرر پسران وجود نداشته است و ۰/۹۰٪ عدم تساوی‌ها به ضرر دختران بوده است. میانگین کشوری برابر با ۰/۸۵ (متوسط به ضرر دختران) می‌باشد که استان‌های مازندران با ۰/۹۹ و آذربایجان غربی با ۰/۶۲ دارای بالاترین و پایین‌ترین میزان برخورداری از شاخص فوق بوده‌اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۳۷ بوده است، در کل (شهر و روستا) در ۷ استان تساوی حاصل شده و در مابقی استان‌ها (۰/۷۷٪) عدم تساوی‌ها به

ضرر دختران وجود داشته که قسمت عمده عدم تساوی در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف می باشد. میانگین کشوری برابر با ۰/۹۴ (متوسط به ضرر دختران) می باشد که استان های یزد (با ۱/۰۱) و آذربایجان غربی (با ۰/۸۲) دارای بالاترین و پایین ترین میزان برخورداری از شاخص فوق بوده اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۱۹ بوده است (جدول ۵).

جدول شماره (۵): تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش پایه دوم دوره راهنمایی تحصیلی استان های کشور

عنوان	به ضرر دختران			تساوی	به ضرر پسران		
	دور	متوسط	نزدیک		دور	متوسط	نزدیک
مجموعه روستا	-	آذربایجان غربی	زنجان، خوزستان، هرمزگان	لرستان، کرمان، مازندران، گلستان، تهران، گیلان، ایلام، کردستان، آذربایجان شرقی، چهارمحال و بختیاری، اصفهان، مرکزی، قزوین، کرمانشاه، بوشهر، فارس، سمنان، قم، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان رضوی و شمالی	همدان، یزد	خراسان جنوبی، اردبیل	-
	-	گلستان، خراسان جنوبی و شمالی، خوزستان، آذربایجان شرقی، سیستان و بلوچستان، کرمانشاه	سمنان	مازندران، اصفهان، تهران	-	-	-
	-	مرکزی، ایلام، همدان، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، خوزستان، هرمزگان، گلستان، زنجان، خراسان شمالی، کردستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان شرقی و غربی	سمنان، قم، خراسان رضوی و جنوبی، قزوین، چهارمحال و بختیاری، بوشهر، لرستان، فارس	یزد، مازندران، اردبیل، تهران، اصفهان، کرمان، گیلان	-	-	-

**۵-۶) تساوی جنسیتی در دسترسی به پایه سوم دوره راهنمایی تحصیلی
استان های کشور (شهر، روستا و کل) در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵**

در پایه سوم دوره راهنمایی تحصیلی شهرهای استان های کشور تنها در استان های قم و خراسان شمالی عدم تساوی به ضرر پسران و در ۹ استان به ضرر دختران مشاهده می شود و در ۲۰ استان (۶۳٪) تساوی حاصل شده است. میانگین کشوری برابر با ۰/۹۸ (تساوی) می باشد که استان های قم (با ۱/۰۴) و سیستان و بلوچستان (با ۰/۸۴) دارای بالاترین و پایین ترین میزان برخورداری از شاخص فوق بوده اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۲۰ بوده است. در روستاهای استان های کشور تنها در استان تهران تساوی و در استان های اصفهان و مازندران عدم تساوی به ضرر پسران و در ۲۸ استان دیگر (۹۰٪) عدم تساوی به ضرر دختران دیده می شود که قسمت عمده آن (۵۵٪) در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف هستند. میانگین کشوری برابر با ۰/۸۲ (متوسط به ضرر دختران) می باشد که استان های اصفهان (با ۱/۰۴) و آذربایجان غربی (با ۰/۵۹) دارای بالاترین و پایین ترین میزان برخورداری از شاخص فوق بوده اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۲۲ بوده است و در کل (شهر و روستا) در ۶ استان، تساوی، تنها در استان قم به ضرر پسران و در ۲۴ استان (۷۸٪) عدم تساوی ها به ضرر دختران وجود داشته که قسمت عمده عدم تساوی (۶۱٪) در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف می باشد، میانگین کشوری برابر با ۰/۹۳ (متوسط به ضرر دختران) می باشد که استان های قم (با ۱/۰۴) و سیستان و بلوچستان (با ۰/۷۸) دارای بالاترین و پایین ترین میزان برخورداری از شاخص فوق بوده اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۲۶ بوده است (جدول ۶).

جدول شماره (۶): تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش پایه سوم دوره راهنمایی تحصیلی استان های کشور

عنوان	به ضرر دختران			تساوی	به ضرر پسران		
	دور	متوسط	نزدیک		نزدیک	متوسط	دور
پایه سوم	کل	-	کهرکیلویه و بویراحمد، سمنان، آذربایجان غربی، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان	مرکزی، لرستان، آذربایجان شرقی، خوزستان	خراسان جنوبی، اردبیل، ایلام، یزد، مازندران، خراسان رضوی، گیلان، اصفهان، تهران، بوشهر، فارس، گلستان، کردستان، قزوین، زنجان، هرمزگان، چهارمحال و بختیاری، کرمان، همدان	خراسان شمالی قم	-
		روستا	زنجان، خراسان شمالی، اردبیل، همدان، مرکزی، آذربایجان شرقی، خوزستان، سیستان و بلوچستان	-	تهران	اصفهان، مازندران	-
		شهر	سیستان و بلوچستان	سمنان، قزوین، خراسان جنوبی و شمالی، هرمزگان، مرکزی، چهارمحال و بختیاری، گلستان، لرستان، زنجان، اردبیل، خوزستان	بوشهر، خراسان رضوی، کرمان، فارس	مازندران، اصفهان، تهران، یزد، ایلام، گیلان	قم

۶-۶) تساوی جنسیتی در دسترسی به کل دوره راهنمایی تحصیلی استان -

های کشور (شهر، روستا و کل) در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵

در شهرهای استان های کشور تنها در استان اردبیل عدم تساوی به ضرر پسران و در ۱۲ استان (۳۹٪) به ضرر دختران و در ۱۸ استان (۵۸٪) تساوی مشاهده می شود. میانگین کشوری برابر با ۰/۹۷ (تساوی) می باشد که استان های اردبیل (با ۱/۰۷) و سیستان و بلوچستان (با ۰/۸۳) دارای بالاترین و پایین ترین میزان برخورداری از شاخص فوق بوده اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۲۴ بوده است. در روستاهای

استان‌های کشور در هیچ استانی عدم تساوی به ضرر پسران مشاهده نمی‌شود و تنها در ۲ استان مازندران و اصفهان تساوی و در ۲۹ استان (۹۳٪) عدم تساوی به ضرر دختران دیده می‌شود که قسمت عمده آن (۵۸٪) در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف هستند. میانگین کشوری برابر با ۰/۸۲ (متوسط به ضرر دختران) می‌باشد که استان‌های مازندران (با ۱) و آذربایجان غربی (با ۰/۶۰) دارای بالاترین و پایین‌ترین میزان برخورداری از شاخص فوق بوده‌اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۴ بوده است و در کل دوره راهنمایی تحصیلی (شهر و روستا) همانند روستاها در هیچ استانی عدم تساوی به ضرر پسران مشاهده نمی‌شود و در ۵ استان (۱۶٪) تساوی و در ۲۶ استان (۸۴٪) عدم تساوی به ضرر دختران مشاهده می‌شود که قسمت عمده عدم تساوی در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف می‌باشد (۶۸٪). میانگین کشوری برابر با ۰/۹۲ (متوسط به ضرر دختران) می‌باشد که استان‌های مازندران (با ۱) و سیستان و بلوچستان (با ۰/۷۹) دارای بالاترین و پایین‌ترین میزان برخورداری از شاخص فوق بوده‌اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۲۱ بوده است (جدول ۷).

جدول شماره (۷): تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش دوره راهنمایی تحصیلی استان‌های

کشور

عنوان	به ضرر دختران			تساوی	به ضرر پسران		
	دور	متوسط	نزدیک		متوسط	نزدیک	دور
کل دوره	شهر	-	کرمانشاه، خوزستان، سمنان، آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان	مرکزی، گلستان، زنجان، قم، آذربایجان شرقی، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد	خراسان جنوبی، شمالی و رضوی، همدان، ایلام، کردستان، یزد، مازندران، گیلان، لرستان، تهران، اصفهان، کرمان، بوشهر، فارس، قزوین، چهارمحال و بختیاری	-	اردبیل
		روستا	زنجان، خراسان شمالی، مرکزی، همدان، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان، خوزستان، کردستان، آذربایجان شرقی و غربی	تهران	مازندران، اصفهان	-	-

-	-	-	مازندران، تهران، اصفهان یزد، گیلان	قم، کرمان بوشهر، ایلام	فارس، اردبیل، خراسان رضوی، جنوبی و شمالی، قزوین، سمنان، لرستان، مرکزی، همدان، گلستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان، آذربایجان شرقی و غربی، زنجان، کرمانشاه، خوزستان، کردستان	سیستان و بلوچستان	۳۸
---	---	---	---------------------------------------	---------------------------	--	-------------------	----

در جدول شماره (۸) به همبینی تحقق تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش دوره راهنمایی تحصیلی در شهرها و روستاهای استان‌های کشور پرداخته شده است، نتایج حاکی از آن است که در پایه اول دوره، در هیچ استانی به طور همزمان در شهر و روستایش تساوی دیده نمی‌شود، در پایه دوم تنها در استان‌های مازندران، تهران و اصفهان و در پایه سوم تنها در استان تهران و در کل دوره تنها در استان‌های مازندران و اصفهان هم در شهر و روستایش تساوی جنسیتی برقرار بوده است؛ نکته جالب‌تر اینکه در هیچ یک از پایه‌ها و کل دوره عدم تساوی جنسیتی به ضرر پسران در شهرها و روستاهای هیچ استانی دیده نمی‌شود.

جدول شماره (۸): همبینی تحقق تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش دوره راهنمایی تحصیلی در شهرها و روستاهای استان‌های کشور

عنوان	به ضرر دختران در شهر و روستا	تساوی در شهر و روستا	به ضرر پسران در شهر و روستا
پایه اول	سمنان، بوشهر، تهران، کهگیلویه و بویراحمد، کرمان، چهارمحال و بختیاری، فارس، قزوین، یزد، اصفهان، مرکزی، خراسان رضوی، زنجان، آذربایجان شرقی، کرمانشاه، هرمزگان، خراسان شمالی، گلستان، خوزستان، قم، آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان	-	-
پایه دوم	زنجان، خوزستان، هرمزگان، آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان	مازندران، تهران، اصفهان	-
پایه سوم	مرکزی، لرستان، آذربایجان شرقی و غربی، خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد، سمنان، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان	تهران	-
کل دوره	مرکزی، گلستان، زنجان، قم، آذربایجان شرقی و غربی، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان، کرمانشاه، خوزستان، سمنان، سیستان و بلوچستان	مازندران، اصفهان	-

جدول ۹ وضعیت تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش پایه‌های دوره راهنمایی تحصیلی را در مناطق شهری و روستایی استان‌های کشور نشان می‌دهد، نتایج حاکی از آن است که در پایه اول در ۱۹٪ شهرها و ۰٪ روستاها تساوی؛ در ۷۴٪ شهرها و ۱۰۰٪ روستاها عدم تساوی به ضرر دختران و در ۷٪ شهرها و ۰٪ روستاها عدم تساوی به ضرر پسران وجود داشته است، که حاکی از نابرابری جنسیتی به ضرر دختران و به ویژه در روستاهاست که وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف بیشترین سهم را در نابرابری جنسیتی به ضرر دختران داشته است.

در پایه دوم در ۶۹٪ شهرها و ۱۰٪ روستاها تساوی؛ در ۱۷٪ شهرها و ۹۰٪ روستاها عدم تساوی به ضرر دختران و در ۰٪ شهرها و ۰٪ روستاها عدم تساوی به ضرر پسران وجود داشته است، که حاکی از نابرابری جنسیتی به ضرر دختران و به ویژه در روستاهاست که وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف بیشترین سهم را در نابرابری جنسیتی به ضرر دختران داشته است.

در پایه سوم در ۶۳٪ شهرها و ۳٪ روستاها تساوی؛ در ۳۰٪ شهرها و ۹۰٪ روستاها عدم تساوی به ضرر دختران و در ۷٪ شهرها و ۷٪ روستاها عدم تساوی به ضرر پسران وجود داشته است، که حاکی از نابرابری جنسیتی به ضرر دختران و به ویژه در روستاهاست که وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف بیشترین سهم را در نابرابری جنسیتی به ضرر دختران داشته است.

در کل دوره در ۵۸٪ شهرها و ۷٪ روستاها تساوی؛ در ۳۹٪ شهرها و ۹۳٪ روستاها عدم تساوی به ضرر دختران و در ۳٪ شهرها و ۰٪ روستاها عدم تساوی به ضرر پسران وجود داشته است، که حاکی از نابرابری جنسیتی به ضرر دختران و به ویژه در روستاهاست که وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف بیشترین سهم را در نابرابری جنسیتی به ضرر دختران داشته است.

جدول شماره (۹): درصد تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش پایه های دوره راهنمایی

تحصیلی

پایه و منطقه	به ضرر دختران			تساوی	به ضرر پسران		
	دور	متوسط	نزدیک		دور	متوسط	نزدیک
اول شهر	۳	۴۲	۲۹	۱۹	۰	۷	
اول روستا	۳۲	۶۱	۷	۰	۰	۰	
کل اول	۷	۸۳	۷	۳	۰	۰	
دوم شهر	۰	۷	۱۰	۶۹	۷	۷	
دوم روستا	۳۲	۵۵	۳	۱۰	۰	۰	
کل دوم	۰	۴۸	۲۹	۲۳	۰	۰	
سوم شهر	۰	۱۶	۱۴	۶۳	۰	۷	
سوم روستا	۳۵	۵۵	۰	۳	۰	۷	
کل سوم	۳	۶۱	۱۴	۱۹	۰	۳	
کل شهر	۰	۱۶	۲۳	۵۸	۳	۰	
کل روستا	۳۲	۵۸	۳	۷	۰	۰	
کل دوره	۳	۶۸	۱۳	۱۶	۰	۰	

(۷) بحث و نتیجه گیری

علی‌رغم وجود قوانینی از جمله اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بر رایگان بودن آموزش تا پایان دوره متوسطه تحصیلی برای همه ملت تأکید دارد و هم چنین ماده "۵۲" قانون برنامه چهارم توسعه کشور که مبتنی بر دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی به ویژه برای دختران است و بند "الف" همین ماده که دولت را به توسعه زمینه‌های لازم برای اجرای برنامه آموزش برای همه مکلف نموده، بند «ب» ماده مذکور که دوره راهنمایی را اجباری نموده، بند «م» ماده فوق که بر متناسب نمودن فضاهای آموزشی به ویژه مدارس دخترانه اشاره کرده و بند «س» همان ماده که رفع محرومیت-های آموزشی را از طریق تنوع بخشی در ارایه آموزش هدف قرار داده است (رک. سند برنامه چهارم توسعه کشور، ۱۳۸۴)، هم چنان دختران دسترسی کمتری به نسبت پسران به آموزش دوره راهنمایی تحصیلی دارند، در کل دوره راهنمایی تحصیلی استان‌های کشور شاهد ۱۶٪ تساوی می‌باشیم که سهم شهرها برابر با ۵۸٪ و روستاها برابر با ۷٪ (مازندران و اصفهان) بوده است. سهم نابرابری دختران در کل دوره برابر با ۸۴٪ است که در شهرها ۳۹٪ و در روستاها ۹۳٪ عدم تساوی به ضرر دختران دیده می‌شود. در

این دوره تنها در شهرهای استان اردبیل عدم تساوی به ضرر پسران وجود دارد. بیشترین تساوی در پایه‌های دوم و سوم شهر به ترتیب با ۶۹٪ و ۶۳٪ اتفاق افتاده است و کمترین تساوی در کل پایه اول و پایه سوم روستا به میزان ۳٪ بوده است. بیشترین عدم تساوی به ضرر پسران در وضعیت نزدیک در پایه‌های اول، دوم و سوم شهر و سوم روستا به میزان ۷٪ و در وضعیت متوسط در پایه دوم شهر به میزان ۷٪ بوده و در هیچ یک از پایه‌ها و مناطق شهری و روستایی نابرابری پسران در وضعیت دور از تحقق هدف نمی‌باشد. بیشترین عدم تساوی به ضرر دختران در وضعیت نزدیک در پایه اول شهر و دوم کل با ۲۹٪ و در وضعیت متوسط اول کل (۸۳٪) و اول روستا و سوم کل (۶۱٪) و در وضعیت دور از تحقق تساوی در اول شهر و دوم کل به میزان ۲۹٪ مشاهده می‌شود.

۷-۱) مهم ترین عوامل مؤثر بر دسترسی کمتر دختران به آموزش در ایران

۷-۱-۱) عوامل آموزشی

یکی از عوامل مؤثر در دسترسی کمتر دختران به نظام آموزشی دوره راهنمایی تحصیلی وضعیت آموزشی آنها در مقاطع تحصیلی پایین‌تر (ابتدایی) است، شواهد حاکی از آن است که اگرچه تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش در دوره ابتدایی محقق گردیده است اما هم چنان دختران نرخ ثبت نام ناخالص پایین تری به نسبت پسران به آموزش دارند (در سال تحصیلی ۱۳۷۵ این نرخ ۱۰۹٪ برای پسران و ۱۰۱٪ برای دختران بوده و در سال تحصیلی ۱۳۸۵ به ترتیب به ۱۰۹٪ و ۱۰۳٪ رسیده است) (رک. آتشک و همکاران، چاپ نشده).

نوع مدرسه و تسهیلات و تجهیزات آن برای دو جنس به تساوی ایجاد نشده است به گونه‌ای که تعداد آموزشگاه‌ها در دوره راهنمایی تحصیلی در سال ۱۳۸۵ در مناطق روستایی برای پسران ۶۳۹۴ و برای دختران ۶۰۴۷ و در شهرها برای پسران ۷۶۰۶ و برای دختران ۶۹۳۹ است، نکته دیگر در این خصوص تعداد ۴۹۲۲ آموزشگاه مختلط این دوره است که تعداد ۴۸۲۳ از آنها در روستاها قرار دارد، این امر در تعداد مدارس نیز قابل مشاهده است به گونه‌ای که در دوره راهنمایی در روستاها تعداد ۲۸۶۴۲ کلاس

پسرانه و ۲۴۴۴۸ کلاس دخترانه و در شهرها تعداد ۵۳۶۴۲ کلاس پسرانه و ۵۰۲۹۰ کلاس دخترانه وجود داشته و از مجموع ۱۱۲۴۱ کلاس مختلط، تعداد ۱۱۰۲۷ کلاس مختلط در روستاها قرار دارد (رک. وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۵) لازم به ذکر است مختلط بودن آموزشگاه‌ها یکی از مهم‌ترین موانع در ترغیب والدین برای فرستادن دختران به مدرسه است.

مسأله ساعات آموزشی نامناسب از عواملی است که به خصوص در روستاها باعث دسترسی کم دختران به آموزش می‌شود، چرا که ساعت شروع به کار مدارس مترادف با ساعت کار در مزارع و به چرابردن حیوانات است، از همین رو است که تجربه کشورهای دیگر در خصوص منعطف ساختن ساعات کاری مدارس، نرخ‌های ثبت نام مدارس را افزایش داده است (cf. Qadir, 1986)، در ایران نیز با توجه به پیش‌نویس سند برنامه درسی ملی که در آن بر منعطف ساختن ساعات سال تحصیلی تأکید گردیده، می‌توان امیدوار به بهبود وضعیت آموزشی دختران بود.

تعداد کارمند آموزشی نیز میان مدارس دخترانه و پسرانه نیز نابرابر است، به گونه‌ای که در دوره راهنمایی در سال ۱۳۸۵ در روستاها تعداد ۲۴۸۲۱ کارمند آموزشی زن و ۴۱۵۶۳ کارمند آموزشی مرد وجود داشته است (رک. وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۵).

۲-۱-۷ عوامل خانوادگی

بعد خانواده به ویژه از طریق مکانیسم گزینش فرزندان برای آموزش، بر میزان دسترسی دختران به آموزش اثر می‌گذارد، نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ حاکی از آن است که در روستاها شاهد اعضای خانوار بیشتری به نسبت شهرها هستیم، هم چنین در استان‌هایی که عدم تساوی جنسیتی حکمفرماست، متوسط بعد خانوار نیز بالاست، به گونه‌ای که استان‌هایی همچون سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان بعد خانوار قریب به ۵ نفر است (رک. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

در خانواده‌های شهری به دلیل اندازه کوچکتر خانواده، امکان کسب مشاغل با درآمد بالا و هزینه فرصت از دست رفته کمتر برای کار کودکان (به ویژه برای دختران)، دختران امکان بیشتری برای دسترسی به آموزش دارند، اما در خانواده‌های روستایی به

دلیل درآمد پایین خانواده، اندازه بزرگ خانواده و نیز نیاز به کار کودک (به خصوص برای کار دختران) برای مراقبت از کودکان و سالمندان و یاری رساندن به مادر برای انجام فعالیت‌های خانواده، امکان دسترسی آنان به نسبت پسران و هم‌نوعان خود در شهر کمتر فراهم می‌باشد.

۳-۱-۷) عوامل اقتصادی

نیاز به نیروی کار دختران به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر دسترسی کمتر آنها به آموزش به ویژه در روستاها بیان شده است، اگرچه بر اساس ماده ۳۲ کنواکسیون حقوق کودک، افراد زیر ۱۸ سال حق کارکردن ندارند، اما سن قانونی کار در ایران ۱۵ سال می‌باشد، و به همین دلیل برخی از کودکان خارج از نظام آموزشی به سر می‌برند، بر اساس داده‌های سرشماری سال ۱۳۸۵ حدود یک میلیون و پانصد هزار نفر کودک (۱۰ تا ۱۹ ساله) شاغل بوده‌اند که حدود صد و هشتاد و پنج هزار نفر از آنها در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال و در حدود یک میلیون و دویست و هفتاد هزار نفرشان در سنین ۱۵ تا ۱۹ سال قرار داشته‌اند.

بازار کار نیروی انسانی متخصص در ایران، هم در بعد عرضه و هم تقاضا دچار عدم تعادل شدید جنسیتی است، با وجود تغییراتی که در سال‌های اخیر در عرضه نیروی انسانی متخصص از طریق دسترسی کمی دختران به آموزش عالی به وجود آمده است، اما در همین دسترسی کمی و نه کیفی نیز دختران در ابعاد مهمی مانند دسترسی به برخی گروه‌ها و دوره‌های تحصیلات تکمیلی و میزان دانش‌آموختگان در سطحی نابرابر با پسران هستند، همچنین از حیث تقاضای نیروی انسانی متخصص زن در بازار، موانع و مشکلات بسیاری از لحاظ نرخ فعالیت و مشارکت، نسبت اشتغال، نرخ بیکاری، تنوع افقی و سطوح عمودی اشتغال آنها وجود دارد (رک. فراستخواه، ۱۳۸۳).

۴-۱-۷) عوامل اجتماعی

همان‌طور که ذکر شد محل سکونت از عوامل مهم در دسترسی به آموزش است، در سال ۱۳۸۵ در کشور ۱/۵٪ از روستاییان در چادر، کپر و آلونک و زاغه سکونت

داشته و بخش دیگری نیز جمعیت غیر ساکن بوده‌اند که این امر بر دسترسی کم این گروه از جمعیت واجب‌التعلیم بر آموزش اثرگذار است (رک. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). توسعه نیافتگی منطقه، بر انتخاب مناطق روستایی توسط عوامل آموزشی با کیفیت، به عنوان محل خدمت اثر می‌گذارد که این امر خود بر نسبت دانش‌آموز به معلم و هم چنین نسبت دانش‌آموز به سایر عوامل آموزشی اثر می‌گذارد که این امر کیفیت آموزش را دچار خدشه می‌نماید که در نهایت توان نظام آموزشی برای جذب و نگهداری دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد.

یکی دیگر از دلایل دسترسی کم دختران به نظام آموزشی دوره راهنمایی مسئله ازدواج در سنین پایین است، در سال ۱۳۸۵ در استان‌های آذربایجان شرقی، زنجان، همدان، خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان، اردبیل، خراسان شمالی و ایلام بیش از ۲٪ دختران ۱۰-۱۴ ساله حداقل یکبار ازدواج نموده‌اند که بیش از ۹۸٪ آنها نیز دارای فرزند هستند که ازدواج زودرس و بارداری زودهنگام آنها را از فضای مدرسه خارج نموده است (رک. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

۷-۲) پیشنهادات

با توجه به نتایج تحقیق، پیشنهادهایی در دو بخش کاربردی و پژوهشی ارائه می‌شود:

۷-۲-۱) پیشنهادهای کاربردی

- ارتقاء نرخ ثبت‌نام ناخالص و خالص هر دو جنس و به ویژه دختران در همه پایه‌های دوره راهنمایی از طریق رفع موانع آموزشی، خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی مؤثر.
- توجه ویژه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی، به تحقق و حفظ تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش پایه‌های دوره راهنمایی تحصیلی.
- اهتمام ویژه به رفع محرومیت‌های آموزشی دختران در مناطق نابرخوردار (استان‌های کمتر توسعه یافته و روستاها) با توجه به عدم تساوی جنسیتی البته بیشتر به ضرر دختران در دسترسی به آموزش در این مناطق.

۲-۲-۷) پیشنهادهای پژوهشی

- بررسی وضعیت شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش در سایر مقاطع تحصیلی به منظور پی بردن به میزان نابرابری در مقاطع تحصیلی مختلف.
- بررسی شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش به تفکیک استان‌ها و مناطق مختلف کشور در سایر مقاطع تحصیلی، به منظور پی بردن به میزان و جهت نابرابری‌های منطقه‌ای.
- بررسی شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش نظام آموزش عالی.
- بررسی عوامل مالی، انسانی و کالبدی مؤثر بر شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش.
- انجام تحقیقی درخصوص میزان تساوی جنسیتی در عملکرد فراگیران.
- انجام پژوهشی درخصوص سیاست‌ها، اقدامات و فرآیندهای آموزشی جنسیت‌محور و اثرات آنها بر دسترسی دختران و پسران به آموزش.
- انجام تحقیقی فراتحلیلی، از تعیین‌کننده‌های تساوی جنسیتی در دسترسی و عملکرد آموزشی.

فهرست منابع

- ◀ آبیلی، فاطمه (۱۳۸۳)، «آسیب شناسی مسایل فرهنگی زنان در کشور»، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان سیستان و بلوچستان.
- ◀ آتشک، محمد و همکاران (چاپ نشده)، «تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش مدرسه ای (دوره های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه کشور) (۹۵-۱۳۵۵)»، تحقیقات زنان.
- ◀ آتشک، محمد (۱۳۸۵b)، «۷۰ سال مبارزه با بیسوادی»، هفته نامه برنامه، سال پنجم، ش ۱۹۰.
- ◀ آتشک، محمد (۱۳۸۶d)، «بررسی کارایی داخلی نظام آموزش عمومی استان های کشور و عوامل موثر بر آن در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
- ◀ اسماعیل سرخ، جعفر (۱۳۸۰)، «کردستان و مسئله نابرابری های آموزشی»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، سال اول، ش ۱، بهار ۱۳۸۰.
- ◀ اسماعیل سرخ، جعفر (۱۳۸۶)، «نابرابری های آموزشی و نابرابری های فضایی در بعد قومی و منطقه ای (مطالعه موردی دوره ابتدایی استان آذربایجان غربی در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰)»، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال بیست و سوم، ش ۳.
- ◀ تودارو، مایکل (۱۳۷۱)، «توسعه اقتصادی در جهان سوم»، (غلامعلی فرجادی پور)، تهران: سازمان برنامه و بودجه (سابق)، چاپ دوم.
- ◀ حسین زاده، فتح الله (۱۳۷۲)، «بررسی نابرابری های دستیابی به فرصت های آموزشی بین مناطق استان بوشهر در سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱»، اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر.
- ◀ خدابخش، افراسیاب (۱۳۷۱)، «مقایسه میزان نابرابری آموزشی بین مناطق آموزشی استان گیلان در دوره متوسطه سال های تحصیلی ۶۷-۱۳۶۶ و ۷۱-۱۳۷۰»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
- ◀ داش خانه، فاطمه (۱۳۸۰)، «بررسی عوامل مؤثر در نابرابری های آموزشی در دوره آموزش عمومی به منظور ارایه مدلی نظری برای آموزش دختران»، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال هفدهم، ش ۴.
- ◀ «سند برنامه اول توسعه کشور»، (۱۳۶۷)، سازمان برنامه و بودجه (سابق).
- ◀ «سند برنامه دوم توسعه کشور»، (۱۳۷۳)، سازمان برنامه و بودجه (سابق).
- ◀ «سند برنامه سوم توسعه کشور»، (۱۳۷۸)، سازمان برنامه و بودجه (سابق).
- ◀ «سند برنامه چهارم توسعه کشور»، (۱۳۸۴)، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (سابق).

- ◀ عزیززاده، هادی (۱۳۶۵)، « بررسی نابرابری دستیابی به فرصت‌های آموزشی بین استان‌های کشور در سال تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵»، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال چهارم، ش ۳ و ۴.
- ◀ فراستخواه، مقصود (۱۳۸۳)، « زنان، آموزش عالی و بازار کار»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۲، ش ۱، صفحات ۱۶۳-۱۴۷.
- ◀ کلیدری، محمد حسین (۱۳۷۴)، « بررسی میزان نابرابری فرصت‌های آموزشی در استان خراسان طی برنامه اول توسعه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
- ◀ کینگ، الیزابت. م. (۱۳۷۶)، « نقش آموزش زنان در توسعه اقتصادی»، (غلامرضا آزادارمکی)، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- ◀ گرائی نژاد، غلامرضا (۱۳۸۲)، دومین گزارش توسعه انسانی کشور- بخش آموزش- مقدماتی»، گروه چهار، چاپ نشده.
- ◀ گروه مشاوران یونسکو (۱۳۸۶)، « فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی»، (فریده مشایخ)، تهران: نشر مدرسه.
- ◀ مرادی، مسعود (۱۳۸۳)، بررسی برابری فرصت‌های آموزشی در دوره متوسطه و عوامل مرتبط با آن در مناطق آموزشی استان زنجان»، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان زنجان.
- ◀ مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، « نتایج سرشماری نفوس و مسکن کل کشور».
- ◀ نادری نرم، عباس (۱۳۷۶)، « بررسی نابرابری‌های آموزشی در ۳ مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در سال‌های تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵ و ۷۶-۱۳۷۵ استان خراسان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران.
- ◀ نبی زاده سرابندی، سیما (۱۳۸۴)، « بی‌عدالتی در فرصت‌های آموزشی استان سیستان و بلوچستان»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره سوم، ش ۳، پاییز ۱۳۸۴.
- ◀ نوروزی، لادن (۱۳۸۳)، « تفاوت‌های جنسیتی در ساختار شغلی»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۲، ش ۱، صص ۱۷۸-۱۶۵.
- ◀ واحدی، محمد توفیق (۱۳۷۷)، « بررسی عوامل مؤثر در دستیابی دختران به فرصت‌های آموزشی در دوره راهنمایی تحصیلی مناطق آموزش و پرورش استان زنجان»، دفتر تحقیقات آموزش و پرورش استان زنجان.
- ◀ وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۳)، « سند ملی برنامه آموزش برای همه».
- ◀ وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۵)، « آمار آموزش و پرورش سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵».
- Ahmed, k, hasan,y(1984), “case study on enrolment and attendance of primary school-aged children by socioeconomic

- grouping for the UPE/IDA schools**", university of Dhaka, foundation for research on educational planning and development.
- Allman,j(1979), "**social mobility, education and development in Tunisia**", leiden, the Netherlands: e.j.brill.
 - Allman,j(1987), "**women status and fertility in the Muslim world**", New York:praeger.
 - Birdsall,n(1985), "public inputs and child schooling in brazil", **journal of development economics**,18:67-86.
 - Brock, C & Cammish, N (1997), Factors affecting female participation in education in seven developing countries, **Education, Research Paper**, No. 09, 1993, 96 p. Universities of Oxford and Hull.
 - King,e, and others(1986), "**change in the status of women across generation in Asia**", Santa Monica, calif, rand corporation.
 - Nekatibeb, T (2002), **Low Participation of Female Students in Primary education(A Case Study of Dropouts from the Amhara and Oromia Regional States in Ethiopia)**,UNESCO.
 - Qadir,s(1986), "**school enrolment drives and enrolment of children in class**", Dhaka, Bangladesh institute of development studies, human resource division.
 - Subrahmanian, R (2003),**Gender equality in education**, Background paper prepared for the Education for All Global Monitoring Report 2003/4, Gender and Education for All: The Leap to Equality, UNESCO.
 - UIS (2006), "**Gender Parity in Education**", UNESCO, Paris.
 - UNICEF, (2005), **EARLY MARRIAGE A HARMFUL TRADITIONAL PRACTICE A STATISTICAL EXPLORATION**.
 - USAID (2008), **GENDER EQUALITY FRAMEWORK**, This report was developed for USAID's Office of Women in Development by the EQUATE Project, Management Systems International (Prime Contractor).